

قرآن و وحدت اسلامی^۱

فهیمة میری^۲

چکیده

این نوشتار در نگاهی کلی به مسئله وحدت و از هم گسیختگی جوامع با توجه به آیات قرآن کریم پرداخته و در پی اثبات این مطلب است که قرآن به مسائل اجتماع، به خصوص اتحاد و انسجام جوامع مسلمان، بیش از مسائل فردی اهتمام داشته است و به دلیل بهرمندی مادی و معنوی مسلمانان از چنین اجتماعی آنان را به تشکیل آن فرا می خواند. در این مقاله سه موضوع موانع، راه کارها و دستاوردهای وحدت بررسی شده است. **واژگان کلیدی:** امت، وحدت، تفرقه، نزاع، عزت، بصیرت، اجتماع، مجادله.

مقدمه

از نیازهای ضروری در جهان امروزی ایجاد اتحاد و دوستی میان ملت های مسلمان و ارتباط میان آنهاست. امروزه مشاهده می شود که گاه فرقه های مسلمان به ایراد اتهام علیه یک دیگر پرداخته و یا به نبرد با هم برخاسته اند. متأسفانه در درون فرقه ها نیز افراد مدعی علم، به این اختلافات و فرقه گرایی ها مهر تأیید زده و موضع گیری های ناصحیح و نامعقولی داشته و حتی یک دیگر را به کفر متهم کرده اند. از دیگر سو، معاندین اسلام تنها نظاره گر نبوده بلکه به این اقدامات دامن زده و آتش جنگ میان آنها را شعله ورتر کرده اند. می توان این اقدامات نسنجیده را از علل نابخردی و ناآگاهی کینه توزان مسلمان از

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۵/۵.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی.

مسائل جهان و آشنا نبودن با اهمیت اسلام و مشترکات یک‌دیگر و هم‌چنین نداشتن تبعات از هم‌گسیختگی و بی‌برنامگی و درک نکردن دستاوردها و اهداف وحدت امت واحد و منسجم اسلامی دانست. بنابراین ضرورت دارد جایگاه مسلمانان در جهان امروز به آنها شناسانده شود و قرآن کریم، کتاب مقدس و مشترک همه مسلمانان، اصل و مبنای چگونگی رسیدن به هدف قرار گیرد و به دستورات آن از جمله تشکیل امت یک‌پارچه اسلامی جامعه عمل پوشانده شود و بعد از پیمان بستن و گام برداشتن در مسیر وحدت، با اخلال‌گران و حرمت‌شکنان برخورد قاطع صورت گیرد تا امتی یک سو و یک جهت تحقق پیدا کرده و مسلمانان به جایگاه شایسته خود دست پیدا کنند.

تعریف وحدت

وحدت به معنای یکی بودن است و به اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد چنان‌که به منزله مجموعه‌ای واحد به شمار آید وحدت گفته می‌شود. (معین، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۴۹۸۸).

بنابراین مقصود از وحدت اسلامی، قرار گرفتن مسلمانان معتقد به اصول ثابت و مسلم اسلام در هر نقطه از جهان، در مسیری واحد می‌باشد که مستلزم کنار گذاشتن اختلافات نامعقول و نابخردانه است.

منظور از اختلافات نامعقول اختلافاتی است که از عوامل غیرقانونی و انحرافی ناشی می‌باشد، مانند پیروی از هوی و هوس که از مهم‌ترین نمونه‌های آن خودنمایی و شهوت‌پرستی است. (موتقی، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۰۴) و در مقابل، اختلافات معقول است که با وجود آن می‌توان به وحدت و انسجام اسلامی رسید.

وحدت معقول را می‌توان چنین تعریف کرد: قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و حذف عقاید شخصی نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است و تحقق این نوع وحدت هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد. (پیشین).

دلایل تفرقه در صف مسلمین

برای رسیدن به وحدت و یک‌پارچگی، در قدم اول باید عواملی را که در ایجاد تفرقه میان مسلمانان نقش دارد شناخت که بعضی از این عوامل به خود مسلمانان برمی‌گردد و برخی دیگر در نتیجه توطئه دشمنان اسلام به وجود می‌آید. آگاهی از تبعات و نتایج از هم‌گسیختگی مانع بسیاری از

کشمکش‌های درون‌دینی شده و همه را به صف اتحاد و یک‌پارچگی می‌کشاند و نیز سبب می‌شود مسلمانان با بصیرت کامل دسیسه‌های دشمنان را با برخورد قاطع خنثی سازند. از مهم‌ترین عوامل تفرقه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - عدم تعقل: از عوامل از هم‌گسیختگی مسلمانان که به خود آنها برمی‌گردد می‌توان به عدم تعقل اشاره کرد. بسیاری از مشکلاتی که برای جوامع و افراد به وجود می‌آید به دلیل به کار نرفتن قوه عقل و خرد است؛ مانند عمل قوم بنی‌نضیر یهود که در مورد آنها آمده است: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بَانَئُهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر/۱۴). آیه خطاب به پیامبر اکرم • می‌فرماید: ای پیامبر! آنها را متحد و هم‌شکل می‌بینی و می‌پنداری که با هم اتحاد و الفت دارند ولی این‌گونه نیست، دل‌های آنها متفرق و پراکنده است و علت آن پراکندگی هم آن است که مردمی فاقد تعقل هستند، چون اگر عقل داشتند متحد گشته و آرای خود را یکی می‌کردند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۱۴).

از دیگر نشانه‌های عقل و خرد این است که مؤمنان، کافران را به جای خود به دوستی برنگزینند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنَتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل‌عمران/۱۱۸). آیه به این نکته اشاره می‌کند که مسلمان‌ها کافران را به جای مؤمنان دوست و از خواص خود قرار ندهند، زیرا آنها هرگز در کارهایی که موجب فساد امور مسلمانان شود کوتاهی نخواهند کرد و از هیچ کوششی در راه ضرر زدن به آنها دریغ نخواهند کرد. آنها آرزومند هستند که مسلمانان را به مشقت افکنند و نشانه دشمنی آنها بر زبان‌ها و از لابلای سخنان آنها ظاهر گشته است و حتی کینه‌ای که در دل دارند بیشتر و بزرگ‌تر است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۸۲۱).

یکی از راه‌های ضرر رساندن دشمنان اسلام دست‌یابی به اطلاعات سری و محرمانه جهت ایجاد توطئه در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و فرهنگی در جامعه مسلمان‌ها و نیز ایجاد سوء ظن میان مسلمانان نسبت به هم، دولت‌های اسلامی نسبت به یک‌دیگر و افراد جامعه نسبت به حکومت و دولت مرکزی است که مسلمان‌ها باید با خردورزی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که غیر از مؤمنین را محرم و دوست خود نگیرند تا دشمنان نتوانند با اطلاع بر باطن امور، صدمات جبران‌ناپذیری را بر جامعه مسلمانان وارد سازند. در آخر آیه آمده است که اگر مؤمنان در تصمیمات خویش عقل خود را به کار گیرند دچار خسران نمی‌شوند.

۲ - بی‌عدالتی و تبعیض میان قومیت‌ها و فرقه‌های مذهبی در جامعه: یکی از دلایل

ایجاد حکومت اسلامی برپایی قسط و عدالت است، بنابراین حاکمان و کارگزاران دینی باید به این مسئله اهتمام ورزند و آن را در تمام ابعاد حکومت خویش اجرا کنند؛ چنان‌که در قرآن کریم یکی از اهداف ارسال رسل برپایی عدالت ذکر شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). در آیات دیگری نیز بر این مسئله تأکید شده است، همانند آیه «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸). اگر در جامعه‌ای این اصل اجرا نشود اختلاف جای آن را می‌گیرد، به خصوص در جامعه دارای تنوع مذهبی این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر در جامعه‌ای که گروه‌های مختلف مذهبی زندگی می‌کنند افراد از سرمایه‌ها و فرصت‌ها به طور مساوی برخوردار گردند و در صورت درگیری و نزاع بین طرفین، بر اساس حق و عدالت داوری شود از تنش‌ها کاسته شده و راه برای تعاملات هر چه بیشتر باز می‌شود.

دو اصل توحید و عدالت می‌تواند کشتی حیات جامعه را به ساحل نجات برساند و فقدان این دو اصل یا یکی از آن دو به تدریج آن کشتی را به قعر دریای پستی و انحطاط می‌کشاند. (جوادی آملی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۹۴). هنگامی که عدالت در جامعه اجرا شود و هر ذی‌حقی به حق خود برسد انسجام و پیوستگی و الفت میان افراد به وجود می‌آید و نیروهای دشمن نیز بر آن جامعه نمی‌توانند تسلط یابند و امنیت برقرار می‌گردد.

حضرت علی • می‌فرماید: «مَا حُصِنَ الدُّوْلُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ؛ به هیچ چیزی همانند عدل دولت‌ها بر پا نشده است.» (تمیمی آمدی، بی‌تا، ص ۳۴۰).

تفرقه حاصل از درگیری و کشمکش را نمی‌توان به عدم اجرای عدالت میان فرقه‌های مذهبی منحصر کرد بلکه به رسمیت نشناختن قومیت‌ها از سوی دولت‌ها و یا مسخره کردن طوایف مختلف توسط افراد نیز موجب بروز کینه و عداوت می‌گردد و حتی گاهی کار به جنگ و خون‌ریزی کشانده می‌شود. در نهی رذیله اخلاقی تمسخر، در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات/۱۱). قرآن کریم با صراحت بر روی تفاخرات قومی خط بطلان کشیده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). بنابراین طبق آیات شریفه نمی‌توان رنگ، زبان و فرهنگ گروه خاصی را مسخره کرد بلکه گرمی‌ترین افراد نزد خداوند باتقواترین آنهاست.

۳ - **بغی و حسد:** بغی تجاوز نمودن یا گذشتن از حد اعتدال است چه عملاً تجاوز کند یا نکند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۷) و حسد یعنی آرزوی زوال و نیستی نعمت برای کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و چه بسا که با این آرزو و حسادت در نابودی نعمت او تلاش کند. (پیشین، ص ۲۳۵). در آیات قرآن کریم، از خواسته‌ها و آمال اهل کتاب روی گردانی مؤمنین از ایمان خود به سبب بغی و حسد دانسته شده است «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره/۱۰۹) که به طور قطع این خواسته با تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی همراه است و از جمله اقدامات و نقشه‌های آنها ایجاد تفرقه و اختلاف انداختن میان مسلمانان است که در دو آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵) «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره/۲۱۳) آشکار است.

منظور از اختلاف، اختلاف بعد از آمدن دین و شریعت از سوی بزرگان دین بوده است و چون دین با توجه به آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم/۳۰) امری فطری است بدین جهت خداوند اختلاف در دین را ناشی از بغی و حسادت و طغیان دانسته است (طباطبایی، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۹). اما بازداشتن مسلمانان از این عمل توسط خداوند در آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران/۱۰۵) می‌رساند که این صفت رذیله فقط به اهل کتاب مربوط نمی‌شود؛ از این رو به مسلمانان دستور می‌دهد که به او و دعوتش ایمان آورند و از عمل شبیه اهل کتاب برحذر باشند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۱۷). صاحب «مجمع البیان» نیز در تفسیر خود آورده است: این آیه بر تحریم اختلاف در دین دلالت دارد، زیرا این کار، مذبوم و قبیح بوده و در نتیجه، از آن نهی شده است. (طبرسی، پیشین، ج ۲، ص ۸۰۹). هم‌چنین در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰) در کنار امر به احسان، از فحشا، منکر و بغی نهی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد: «نهی از فحشا و منکر و بغی امری است در معنا به اتحاد مجتمع، تا اجزا یک‌دیگر را از خود بدانند و اعمال افراد یکنواخت باشد، برخی بر برخی دیگر استعلا نکنند و دست ستم به سوی یک‌دیگر دراز نکنند و از یک‌دیگر جز خوبی نبینند. آن هنگام است که رحمت در میان آنان جای گرفته همه با هم محبت و الفت می‌ورزند و نیرو و قدرت یک‌جا متمرکز می‌شود و عداوت و نفرت در هر خصلت بدی که منجر به تفرقه و هلاکت می‌شود از میان می‌رود.» (طباطبایی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۳۰).

در حدیثی از حضرت علی • آمده است: «ما ذل قوم حتی ضعفوا و ما ضعفوا حتی تفرقوا و ما تفرقوا حتی اختلفوا و ما اختلفوا حتی تباغضوا و ما تباغضوا حتی تحاسدوا و ما تحاسدوا حتی استأثر بعضهم علی بعض؛ هیچ قومی ذلیل و خوار نگشت مگر این که ضعیف شدند و ضعیف نشدند مگر این که متفرق شدند و تفرقه به وجود نیامد مگر این که اختلاف کردند و اختلاف به وجود نیامد مگر این که به هم کینه و عناد ورزیدند و دشمنی و بغض به وجود نیامد مگر این که به هم حسادت کردند و حسادت به وجود نیامد مگر این که بعضی از بعضی دیگر تاثیر پذیرفتند.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

۴ - استعمار و استثمار مسلمانان: از دیگر عوامل تفرقه دست یابی به منابع و سرمایه های مسلمانان و به استعمار در آوردن ملت هاست. یکی از اهداف ایجاد امت واحده اقتدار و عزت مسلمین است. کسانی که با نقشه های استعماری وارد ممالک مسلمانان می شوند و به ایجاد تفرقه پرداخته و تلاش می کنند عزت و قدرت را از مسلمانان سلب نمایند تا آسان تر بتوانند قلمرو خود را گسترش دهند و سرمایه های موجود در آن کشورها را به یغما ببرند.

شهید مطهری در بحثی پیرامون عامل انحطاط مسلمین می نویسد: «از صدر اسلام همواره اسلام دشمنان سرسختی در خارج یا داخل خود داشته است، یهودیان و مسیحیان و مجوسیان و مانویان و زنادقه ای که در میان مسلمین بوده اند، غالباً بیکار نبوده و احیاناً از پشت به اسلام خنجر زده اند. بسیاری از آنها از تحریف و قلب حقایق اسلامی به وسیله جعل و وضع احادیث با ایجاد فرقه ها و تفرقه ها و لاقل در دامن زدن به اختلافات مسلمین تأثیر زیادی داشته اند. در تاریخ اسلام حرکت ها و نهضت های سیاسی و دینی دیده می شود که از طرف غیرمسلمانان به منظور تضعیف یا محو اسلام پیدا شده است.» (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۹).

داستان فرعون در سوره قصص نیز به این نکته اشاره دارد که دسته دسته کردن مردم چه از داخل و چه از خارج از مرزها، از شیوه های به استضعاف و استثمار کشیدن آنهاست. آیات شریفه قرآن بیان می کند که فرعون بین مردم خود تفرقه می انداخت تا نتوانند علیه او اقدام کنند؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۴). گویا مراد از اهل زمین مردم مصر باشند و الف و لام در «الارض» برای عهد بوده است. فرعون از راه القای اختلاف و تفرقه افکنی مردم را دسته دسته کرد تا کلمه آنها متفق نشود و یکدل و یک جهت نباشند و نتوانند بر او شورش کرده و علیه او قیام کنند و امور را بر او دگرگون سازند،

آن چنان که عادت همه ملوک است که چون می‌خواهند قدرت خود را گسترش داده و سلطنت خود را تقویت کنند این نقشه را به کار می‌گیرند. (طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۹).

منافقان زمینه‌ساز نفوذ استعمارگران هستند. آنها عناصر خطرناکی هستند که از هیچ تلاشی برای خدمت‌رسانی به استعمارگران و چپاول‌گران دریغ نکرده و برای ایجاد شکاف بین مسلمانان به اختلافات دامن می‌زنند. در تفسیر «فی ظلال القرآن» ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا إن تطیعوا فریقاً من الذین أوتوا الکتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین» (آل عمران/ ۱۰۱) آمده است: دشمنان اسلامی چه در قدیم و چه هم‌اکنون در راه بازداشتن این امت از عقیده خود، آن چه در قدرت دارند به کار می‌گیرند و هرگاه از جنگ رویاروی و آشکار با این عقیده درمانده می‌گردند، مکارانه و مزورانه به دسیسه و نیرنگ دست می‌یازند و زمانی که نتوانستند به جنگ این عقیده برخیزند از منافقانی که تظاهر به اسلام می‌کنند یا از کسانی که به دروغ خویشتن را به اسلام نسبت می‌دهند لشکرهایی مجهز می‌کنند تا توسط آنها پیکر این عقیده را از داخل خانه پوسیده و ویران کنند. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۹).

با توجه به آیات قرآن، از جمله آیه شریفه «والذین اتخذوا مسجداً ضراباً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و إرصاداً لمن حارب الله ورسوله من قبل و یخلفن إن أردنا إلا الحسنى والله یشهد انهم لکاذبون» (توبه/ ۱۰۷) در صدر اسلام کافران و منافقان مکان‌های خاصی حتی به نام مسجد، برای نقشه‌ریزی جهت تفرقه بین صفوف مؤمنین سازمان‌دهی کرده بودند. در جایی دیگر در مورد منافقان آمده است: «ویخلفون بالله انهم لمنکم و ما هم منکم و لکنهم قوم یفرقون» (توبه/ ۵۶).

راه‌کارهای ایجاد وحدت

قدم دیگر برای رسیدن به وحدت و زدودن اختلافات ویران‌گر، مراجعه به قرآن کریم و توجه به راه‌کارهایی است که در آن ارائه شده است.

۱ - بصیرت و آگاهی: انسان برای رسیدن به اهداف خود ابتدا به آگاهی و شناخت گسترده و عمیق نیاز دارد، به همین دلیل شناخت و آگاهی از عوامل تفرقه از مهم‌ترین راه‌کارهای تشکیل امت یک‌پارچه اسلامی است. خداوند با لطف و کرم خود ابزار شناختی در وجود انسان قرار داده تا راه را از بیراهه بازشناسد. ابزار شناختی‌ای که در قرآن به آن اشاره شده حس و عقل و قلب می‌باشد؛ «و هو الذی انشأ لکم السمع و الأبصار و الأفتدة قلیلاً ما تشکرون» (مؤمنون/ ۷۸). انسان با به کارگیری این ابزار می‌تواند تجزیه و تحلیل درستی از مسائل گذشته و حال داشته باشد و به درک درستی از واقعیات برسد.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت انسان با عبرت گرفتن از گذشته، از جمله تأمل در مشکلات و آثار سوئی که در نتیجه از هم‌گسیختگی و از هم‌پاشیدگی میان جوامع مسلمان به وجود آمده، می‌تواند برنامه‌های سازنده‌ای را در زندگی تنظیم کند و با تعقل و بصیرت، از تعصبات نابه‌جا و اعمال نابخردانه دست بردارد و به سمت شکوفایی و رشد و ترقی گام بردارد. در این میان، بصیرت باطنی بسیار مهم‌تر از ابزار ظاهری است، زیرا همه افراد از این نعمت برخوردارند ولی به طور سطحی از کنار مسائل عبور می‌کنند و درباره حوادث و جریان‌های مختلف تعقل و تأملی ندارند. در سوره حج آمده است «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج/۶۷). هر چند آیه در مورد شرک ورزیدن به خدا و روی گردانی از آیات او و تکذیب رسولان است اما می‌توان آن را به همه امور گذشته و جاری جوامع و ملت‌های مسلمان تعمیم داد. هم‌چنین از این نکته نباید غافل شد که با توجه به آیه «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا/۳۷) انسان در مقابل نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده است مسئول است و نباید از کنار مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی بی‌تفاوت عبور کند.

۲ - تقوا: در آیه‌ای از قرآن کریم در مورد تقوا و پرهیز از پیروی از راه‌های متفرقه آمده است: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام/۱۵۳). تا هنگامی که مردم پیرو دین هستند اختلاف وجود ندارد. مردم از پیروی سایر راه‌ها نهی شده‌اند، چون پیروی از آن راه‌ها باعث تفرقه و اختلاف است، زیرا راه‌های شیطانی است که تحت یک ضابطه کلی قرار ندارد؛ برخلاف راه خدا که اساس آن فطرت و آفرینش است و در آن اختلاف و تغییر و تبدیل نیست و تقوای دینی جز به اجتناب از این راه‌ها پیموده نمی‌شود. (طباطبایی، پیشین، ج ۷، ص ۳۷۹).

۳ - تمسک به آیات قرآن و عمل به آن: با توجه به آیات قرآن کریم، مانند: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۸) کتاب خدا بهترین راهنما و خیرخواه کامل برای تمامی معتقدان به آن است و تمسک به آن و عمل به دستورات آن مسلمانان را از خطر تفرقه و تبعات ناشی از آن بازمی‌دارد و هدایت انسان را به سوی صراط مستقیم ضمانت می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران/۱۰۱). امروزه مسلمانان مخاطبان قرآن هستند، چنان‌که مؤمنان نخستین مخاطبان آن بودند

و پرچم حفاظت و صیانت دین برافراشته و در اهتزاز است. (سید بن قطب، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۰). در دو آیه بعد آن آمده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». اعتصام یعنی تمسک و دست آویختن به چیزی (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۷۰) و تفرق به معنای پراکنده شدن است (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۱۶۹)؛ یعنی تنها رشته خدا است که همگان می‌توانند به آن چنگ زنند و با نعمت مرحمت خداوندی برادران یک‌دیگر گردند و دل‌ها را تنها برادری خداوندی می‌تواند به هم نزدیک نموده و پیوند دهد. این برادری کینه‌های تاریخی را کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌کند و ریشه حرص و آرزهای شخصی را می‌خشکاند و پرچم‌های نژادگرایی و نژادپرستی فرو می‌افتد و صف‌ها همه یک صف می‌شود و آن صف در سایه پرچم بزرگ خداوندی قرار می‌گیرد. (سید بن قطب، پیشین، ج ۱، ص ۶۶۰).

۴- الگو قرار دادن رسول خدا: مسلمانان برای کسب عزت و روش و منش صحیح و

شایسته، باید در تمام ابعاد و زمینه‌ها گفتار و کردار رسول خدا را الگو قرار دهند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱). با اقتدا کردن به آن حضرت می‌توان خطوط و مشی خود را اصلاح کرد و صراط مستقیم قرار گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷، ص ۳۴۲). علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «در آیه به «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ» تعبیر شده است، زیرا استمرار و استقرار در گذشته را افاده می‌کند و اشاره به آن دارد که این وظیفه همیشه ثابت است و شما همیشه باید به آن حضرت تأسی کنید.» (طباطبایی، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۹).

پیامبر اکرم • در سخنان خود، از وحدت مسلمین بعد از خود غافل نبوده و همیشه آنان را به برادری و اخوت فرامی‌خواند؛ در حدیثی از آن حضرت آمده است: «و لا تباغضوا و لا تحاسدوا و لا تدابروا و لا تقاطعوا و كونوا عباد الله اخوانا؛ نسبت به هم کینه نورزید و حسادت نکنید و پشت به یک‌دیگر نکنید و رابطه بین خود را قطع نکنید و ای بندگان خدا با هم برادر باشید.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۳، ص ۳۸). بنابراین با اقتدا کردن به رسول اکرم • منازعات و کینه‌ها نیز کم شده و جای خود را به برادری و اخوت می‌دهد، در نتیجه، با اتفاق و هم‌دلی، مسلمانان عزت و برتری‌ای را به دست می‌آورند که با هر تهدید و حمله‌ای خدشه‌ای به آن وارد نمی‌شود. در این صورت هم‌چنان که رسول خدا اسوه حسنه‌ای برای مسلمانان است امت مسلمان نیز می‌تواند الگویی برای جوامع غیرمسلمان باشد.

۵- رفع بدبینی و کدورت‌ها با جدال احسن: بدون شک امروزه بحث و گفت‌وگو نه تنها در میان امت‌های مسلمان از راه‌کارهای پیش روی دولت‌های مختلف برای پیشبرد مقاصد سیاسی و ایجاد منافع آنها است، بلکه این امر در میان فرقه‌های اسلامی بیش از همه ضروری به نظر می‌رسد. گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و منطقی فرقه‌ها که بر اصول ثابت و اساسی اسلام مبتنی باشد باعث پیوند هر چه بیشتر مسلمانان با یکدیگر می‌شود، زیرا بیشتر عنادها و کینه‌توزی‌های موجود میان فرقه‌های مختلف اسلامی به دلیل عدم شناخت از مبانی و مشترکات یکدیگر و حتی عدم شناخت نقاط اختلافی میان خود است.

در اهمیت گفت‌وگو و مجادله همین بس که خداوند در قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) و یا در آیه‌ای دیگر از مجادله مسلمانان با اهل کتاب سخن گفته و بر روی نقاط اشتراکی میان ادیان که وحدانیت خداوند و ایمان به رسولان اوست، تأکید می‌ورزد؛ «وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت/۴۶). حال چگونه ممکن است که مسلمانان با وجود اعتقاد به خدای واحد، خاتمیت رسول اکرم حضرت محمد • و قبله مشترک، یکدیگر را طرد کرده و از هم‌دیگر دور باشند؟! خداوند در مورد پیش‌دواری‌ها خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ آتَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء/۹۴) و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۶). بنابراین از روی جهالت نمی‌توان یکدیگر را به کفر و دشمنی متهم کرد.

اما اگر کسی بخواهد مجادله کند باید به شرایط آن توجه داشته باشد و به فرموده قرآن مجادله او احسن باشد. مجادله زمانی احسن می‌شود که شدت در سخن و اهانت و طعنه زدن به طرف در آن نباشد، همچنین همراه با نرمی و مدارا در گفتار باشد، دشمن از آن سخن اذیت نگردد و جدل‌کننده به دشمن خویش نزدیک گردد تا اتفاق نظر حاصل شده و بدون هیچ‌گونه لجاجت و دشمنی، برای آشکار شدن حق به هم‌دیگر کمک نمایند (طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۳۹ و ۱۳۸). جدال‌کننده باید از آن‌چه باعث برانگیختن انکار و افزودن مخالفت باشد بپرهیزد و نیز باید از مقدمات دروغ اگر چه مورد قبول دشمنش باشد دوری کند مگر این‌که جنبه مناقضه داشته باشد. همچنین باید از بی‌عفتی در گفتار و از سوءتعبیر اجتناب ورزد و به دشمن خود و مقدسات وی توهین نکند و ناسزا نگوید و از هر نادانی دیگر

بپرهیزد، زیرا گر چه حقی را احیا کرده ولی در مقابل، به حسن و نیکویی نیازمندتر است و به این دلیل خداوند فقط مجادله احسن و موعظه حسنه را اجازه داده است. (پیشین، ج ۱۲، ص ۳۷۳).

شهید مطهری با همین مضمون می‌نویسد: «وحدت اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمین برای این‌که احساسات کینه‌توزی در میان آنها پیدا نشود یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، منطق یک‌دیگر را مسخره نکنند و عواطف یک‌دیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمانان به اسلام لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند.» (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۱۳)

در نتیجه، جدال احسن از راهایی است که با آن مسائل و اختلافات به وجود آمده مذهبی، کلامی، فقهی و... روشن می‌گردد و با برخورد صحیح و علمی، یکی از راه‌های ایجاد وحدت در اختیار مسلمانان قرار می‌گیرد.

۶- امر به معروف و نهی از منکر: امتی واحد که بر اساس هدفی واحد شکل گرفت همه به منزله یک پیکر می‌شوند که نقص و نارسایی یکی از اعضا بر سایر اعضا نیز تأثیر گذاشته و تمام ابعاد وجود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ممکن است این معایب و نارسایی‌ها تخلفات و انحرافات باشد که افرادی در جامعه آن را مرتکب می‌شوند. بی‌شک اگر افراد امت در مقابل این‌گونه تخلفات بی‌تفاوت بمانند در سرنوشت و تکامل همه آنها تأثیر خواهد داشت، از این رو خداوند فریضه امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمود؛ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». از سویی دیگر، انجام این فریضه قدرتی را می‌طلبد که بدون آن مقصود حاصل نمی‌گردد، از این رو لفظ «امت» به کار برده شده است. هم‌چنین در ادامه آیه آمده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/ ۱۰۴-۱۰۵). فخر رازی می‌نویسد: «چه بسا این آیه تتمه آیه قبلی بوده و منظور آن بوده که قدرت مذکور حاصل نمی‌شود مگر این‌که الفت و محبت بین اهل حق و دین حاصل شود؛ اما بر حذر داشتن خداوند ایشان را از اختلاف در آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» برای این است که این سببی برای عجز آنها از قیام به این تکلیف نباشد.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۳۱۷).

دستاوردهای وحدت

چنان‌که تفرقه و منازعات، آثار سوء و شکست‌هایی را به دنبال دارد ایجاد اتحاد و وحدت میان فرقه‌های مسلمان با نتایج و دستاوردهایی همراه است و به دلیل وجود دستاوردها و دست‌یابی به

اهداف متعالی است که تشکیل امت یک پارچه و هم سو خواست تمامی رهبران و مصلحان دلسوز و آگاه اجتماعی است و با پی گیری مسائل جهان اسلام و ارائه راه کار و نشر مقالات، در جهت ایجاد تفاهم و همکاری بین فرقه های مسلمان در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی و... تلاش می کنند.

با تأمل در آیات قرآن کریم می توان دستاوردهای وحدت را دست کم در سه مورد زیر خلاصه کرد:

۱ - عزت و علو مسلمین: چنان که عزت برای هر فرد از اهمیت خاصی برخوردار است، برای جوامعی که در زیر پرچم اسلام قرار گرفته اند به همان اندازه و بلکه بیشتر ضرورت دارد. از سوی دیگر، با قوانین جامع اسلام، عزت، علو و برتری حق مسلمانان است. راغب در تعریف عزت می گوید: «عزت حالتی است که انسان را شکست ناپذیر و مقاوم می سازد و باعث می شود مغلوب نگردد. به همین دلیل به زمین های محکم عزاز می گویند.» (راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۶۴) و علو به معنای بلند شدن و بالا رفتن است (پیشین، ص ۵۸۳). مسلمانان می توانند با ایمان به خدا و گام برداشتن در مسیر او و سازمان دهی تشکیلات خود در جهت اهداف متعالی و نیز پرهیز از منازعه و درگیری، عزت و برتری را برای خود و جامعه شان کسب کنند. با توجه به آیات قرآن، عزت، علو و برتری از آن خدا و مؤمنانی است که آن را با اطاعت از او به دست آورده اند؛ «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَأَعْلَوْنَ» در آیه ای دیگر در مورد برتری مسلمانان، در صورت ایمان داشتن، آمده است: «وَكَا تَهَنُّوْا وَا تَحْزَنُوْا وَاَنْتُمْ اَلْاَعْلَوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ» (آل عمران/۱۳۹). این آیه به جنگ احد اشاره می کند که به دلیل عدم انضباط نظامی بعضی از سربازان اسلام مصیبت هایی بر آنان وارد شد و کفار بر ایشان مسلط گردیدند و با مشاهده این وضع، دچار ضعف و سستی شدند. مسلمانان در جهان امروز نیز که بیشتر کشورهای جهان سوم را تشکیل می دهند و از نظر قدرت اقتصادی، علمی و... نسبت به بسیاری از کشورهای غربی ضعیف تر شمرده می شوند می توانند با هم بستگی و در پیش گرفتن خط مشی سیاسی واحد یاری دهنده و پشتیبان هم باشند و عزت حقیقی خود را به دست آورند.

حضرت علی • می فرماید: «فَاِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِی تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالْزَمُوْا كُلَّ اَمْرِ لَزِمْتَ الْعِزَّةَ بِهٖ شَانِهِمْ وَ زَا حَتَّ الْاَعْدَاءِ لِهٖ عَنْهُمْ وَ مَدَّتْ الْعَافِيَةُ بِهٖ عَلَيْهِمْ وَ النِّقَادَاتُ النِّعْمَةُ لِهٖ مَعَهُمْ وَ وَصَلَتْ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنْ الْاِجْتِنَابِ لِّلْفِرْقَةِ وَ اللِّزُومِ لِّلْاَلْفَةِ وَ التَّوَاصِي بِهَا؛ آن گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می کنید عهده دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و هم دلی

همت گماشتند و یک‌دیگر را به وحدت واداشته به آن سفارش کردند.» (دشتی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۹۲، خ ۱۹۲).

۲ - اقتدار اسلام: در طی چند قرن گذشته، جهان اسلام مورد حمله سخت دشمن واقع شده است. جنگ‌های صلیبی و نیز تهاجم مغول نمونه بارز این حملات است و هر یک از آنها تأثیر زیادی در انحطاط مسلمین داشته است و از همه خطرناک‌تر استعمار غربی در قرون اخیر است که خون مسلمانان را مکیده و کمر آنان را زیر فشار مظالم خود خم نموده است (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۹). بنابراین مسلمانان در هر حال باید قدرت خود را حفظ کنند تا با استواری و اتکای به خویش بتوانند در مقابل هجمه‌ها و توطئه‌های دشمن ایستادگی کنند و این مسیر با وحدت و اتحاد مسلمانان سریع‌تر تحقق پیدا می‌کند. هدف از حفظ قدرت و صلابت جامعه مسلمانان به اهداف تشکیل حکومت اسلامی برمی‌گردد که یکی از آنها برپایی احکام و قوانین اسلام و اجرای عدالت در سطوح مختلف است؛ همان‌طور که در مورد پیامبران این‌چنین بوده و در آیات متعددی به آن اشاره شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». بنابراین با بعثت خاتم‌الانبیا و تشکیل حکومت اسلامی، مسلمانان باید برای تداوم و استمرار آن، آن‌چنان که شایسته است بکوشند. از این رو خداوند مسلمانان را از نزاع منع کرده و می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَارَغُوا فَنفُتُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶)، زیرا اگر مسلمانان در اداره حکومت خود ضعیف شوند کفار بر آنها مسلط شده و فساد در جوامعشان حاکم می‌شود و به دنبال آن دچار انحطاط می‌گردند.

ممکن است گفته شود حفظ قدرت یک کشور که همه دارای یک مذهب می‌باشند به قدرت ملت‌های مسلمان دیگر ارتباطی ندارد. در جواب باید گفت: بدون شک در عصر حاضر، تمام منافع ملت‌ها به هم وابسته بوده و چه بسا در مواردی با اتحاد و انسجام ملت‌ها، راه نفوذ مستکبران و بی‌دینان بر مسلمانان ضعیف بسته شده یا از خطراتی که از ناحیه آنها متوجه مسلمانان می‌شده مصون مانده‌اند و به عکس، همکاری یک دولت مسلمان با کشورهای استعمارگر صدمات جبران‌ناپذیری به حقوق ملت‌های مسلمان و مستضعف وارد ساخته است.

پس لازم است مسلمانان از ملت‌های مختلف، صف واحدی را تشکیل دهند؛ «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتُهُمْ مَرْصُوعًا» (صف/۴). از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان، انسجام و به‌هم‌پیوستگی صفوف در میدان نبرد، اعم از نبرد نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... است. در

حقیقت، قرآن دشمنان را به سیلاب ویرانگری تشبیه می‌کند که تنها با سد فولادین می‌توان آنها را مهار کرد. تعبیر به «بنیان مرصوص» جالب‌ترین تعبیری است که در این مورد وجود دارد، زیرا در یک بنا یا سد عظیم هر کدام از اجزا نقشی ایفا می‌کند، ولی این نقش در صورتی مؤثر واقع می‌شود که هیچ‌گونه فاصله و شکافی در میان آنها نباشد و چنان متحد گردند که گویی یک واحد بیش نیستند. (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۴، ص ۶۶). و خداوند نیز پیروزی مسلمانان را تضمین کرده و فرموده است: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۶) و در جایی دیگر فرموده است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات/۱۷۱-۱۷۳).

۳ - منفعت اجتماع: دستیابی به منافع و سرمایه‌ها با تشکیل اجتماع میسر می‌گردد؛ اجتماعی که همگان در سایه هم‌دلی و اتحاد، در انجام فعالیت‌های آن مشارکت داشته و افرادی محل نظم آن نشوند.

علامه طباطبایی در تفسیر گران سنگ خود می‌نویسد: «اولین ندایی که از بشر برخاست و برای اولین بار بشر را دعوت نمود که به امر اجتماع اعتنا و اهتمام ورزد و آن را از کنج اهمال و زاویه‌ها و تبعیت حکومت‌ها خارج نموده و موضوعی مستقل و قابل بحث حساب کند، ندایی بود که شارع اسلام و خاتم‌الانبیا سر داد و مردم را دعوت کرد به این که آیاتی را که از ناحیه پروردگار به منظور سعادت زندگی اجتماع و پاکی آن نازل شده پیروی کنند، مانند «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ» (انعام/۱۵۳) و «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و در آیاتی دیگر دعوت می‌کند به تشکیل اجتماعی خاص؛ یعنی خصوص اجتماع اسلامی بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن مزایای معنوی و مادی آن؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) و...».

وی سپس در دنباله آیات، اجتماع را موجودی ذی‌شعور می‌داند که آثار و خواص خود را دارد؛ «غیر از وجود تک تک افراد که فرضاً چند میلیون نفرند یک وجود دیگر پیدا می‌شود به نام مجتمع و غیر از آثار و خواصی که تک تک افراد دارند، خواص و آثار دیگری هست که از همه قوی‌تر می‌شود به نام اجتماع، به همین جهت قرآن کریم غیر از آن چه که برای افراد هست وجودی، عمری و کتابی و حتی شعوری و فهمی و عملی و اطاعتی و معصیتی برای اجتماع قائل است. مثلاً درباره عمر و اجل امت‌ها می‌فرماید: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف/۳۴) و نیز درباره

خلاف‌کاری امت فرمود: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» (یونس/۴۷) و از همین رو قرآن کریم همان عنایتی را که به داستان اشخاص دارد به داستان و تاریخ امت‌ها نیز دارد، بلکه اعتنای آن به تواریخ امت‌ها بیشتر است. «طباطبایی، پیشین، ج ۴، ص ۹۶ و ۹۷».

بنابراین می‌توان گفت رابطه فرد و امت متقابل است. به عبارتی، سرنوشت تک افراد به سرنوشت امت متصل است و سعادت و شقاوت آنها در آن خلاصه می‌شود و از طرفی این اشخاص هستند که امت را می‌سازند.

نتیجه

- ۱ - وجوب عمل به دستورات قرآن در حیطة فردی و اجتماعی هم‌چون تقوا و نداشتن کینه و حسد برای سلامت و سعادت دنیا و آخرت؛
- ۲ - لزوم مطالعه و تفکر عمیق برای شناخت خود و جهان اسلام در راستای دستیابی به وحدت؛
- ۳ - نگاهی به گذشته و بررسی نتایج از هم‌گسیختگی حکومت‌های مسلمان و درس گرفتن از آن؛
- ۴ - الزام در آگاهی از مشترکات و مطالعه در اصول کلی فرقه‌های دیگر برای رفع اتهام‌زنی و بدبینی؛
- ۵ - به دست آمدن نتایج ارزشمند از ایجاد وحدت هم‌چون: نجات فرد و جامعه از ضعف و عقب‌ماندگی و دستیابی به عزت حقیقی، قدرت یافتن اسلام و در نتیجه، برپایی قسط و عدالت، جلوگیری از نفوذ و تسلط منفعت‌طلبان و زورمداران، هدر نرفتن منابع و سرمایه‌های ملی کشورهای مسلمان، و رسیدن جامعه و فرد به سعادت و آرامش.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی (جامعه در قرآن)، اسراء، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مشرقین، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۰ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، دار العلم، دمشق، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۷. سید بن قطب، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت - قاهره، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۰. علامه مجلسی، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۱. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۱۳. مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، صدرا، قم، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۴ش.
۱۴. _____، *شش مقاله*، صدرا، قم، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۰ش.
۱۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۷. موثقی، سید احمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی